



A Critical Analysis of Salafi Discourse in Contemporary Arab poetry based on Fairclough's Critical Discourse Model (A case study of Diwan Al-Siasiyat by Ahmed Muharram)

Maryam Aliyari*¹, Abolhasan Amin Moghadasi²

¹* PHD Candidate in Arabic language and literature, Tehran university, Tehran, Iran.

² Professor, Department of Arabic language and literature, Tehran university, Tehran, Iran.

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:

31/01/2022

Accepted:

11/10/2022

One of the most significant subjects to have entered the social-political sphere, as well as the literary sphere, in the past 100 years is the idea of Salafism as a realist phenomenon that has since developed into a discourse. This concept, understood idiomatically, is the outcome of a historical trend in Islam that views itself as submissive to the virtuous predecessor (Salaf-e-Saleh) in terms of religious observance and emulates the Prophet of Islam (pbuh), his companions, and subordinates in deeds and beliefs. The Salafi movements, however, which are the result of Ibn Taymiyah's misinterpretations of the ideas of monotheism, polytheism, tradition, and heresy, are what we witness today in the political and social spheres. The current study examined the Salafi discourse in Ahmed Muharram's political court, an Egyptian nationalist and Islamist poet, using Fairclough's critical discourse as a guide. The study's findings suggest that the three axes of Islamism, nationalism, and ethnic-Arabic tendencies are consolidated in Muharram political poems based on Islamic philosophy. These three axes have been used to guide the selection of words and expressions at the level of description. The reformist Salafi discourse in Ahmed Muharram's poetry is influenced by the Salafi inclination of Seyed Jamaluddin Asadabadi and Muhammad Abdo toward issues like the establishment of the Islamic society, returning to true Islam and the Qur'an, inept rulers, ignorance, neglect, and a lack of willpower in the people, as well as the struggle against colonialism. The solitary identity found in this poetry has only one significant source: Islam. This sense of identity segregation demonstrates the poet's mentality to be heavily influenced by Islamic thought. On the other hand, opposition to the traditional and secular discourse of Egyptian society, as well as references to the past and the ideal society, are ideas that have cultivated and developed the poet's Salafi identity of resistance.

Keywords: critical discourse analysis, Fairclough, Salafism, Ahmed Muharram, Modern poetry

Cite this article: Aliyari, Maryam. Amin Moghadasi, Abolhasan (2023). *A Critical Analysis of Salafi Discourse in Contemporary Arab poetry based on Fairclough's Critical Discourse Model (A case study Diwan Al-Siasiyat by Ahmed Muharram)*, Vol. 15, New Series, No.53, Autumn 2023. Pages:39-60

DOI: 10.30479/lm.2023.18422.3502



© The Author (s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Maryam Aliyari

Address: PHD Candidate in Arabic language and literature, Tehran university, Tehran, Iran

E-mail: Maryam.Aliyari@Alumni.ut.ac.ir

تحلیل انتقادی گفتمان سلفی در شعر معاصر عرب با تکیه بر الگوی فرکلاف

(مطالعه موردی دیوان السیاسیات احمد محرم)

مریم علی یاری*^۱، ابوالحسن امین مقدسی^۲

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲ استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی
دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۲
پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹

اندیشه سلفی، به عنوان یک پدیده رنالیستی، از مهم ترین موضوعاتی است که در صد سال اخیر در عرصه سیاسی اجتماعی و بالطبع در عرصه ادبی راه یافته و به یک گفتمان تبدیل شده است. این اندیشه در معنای اصطلاحی امروز، نتیجه جریانی در تاریخ اسلام است که در تمسک به دین، خود را تابع سلف صالح دانسته و در اعمال و اعتقادات از سلف، یعنی پیامبر اسلام (ص)، صحابه و تابعین پیروی می کنند. البته آنچه امروزه در عرصه سیاسی و اجتماعی مشاهده می شود، جریانات انحرافی سلفیه است که محصول تفسیر نادرست ابن تیمیه از مفاهیم توحید، شرک، سنت و بدعت است. این پژوهش، با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، به تحلیل گفتمان سلفی در اشعار احمد محرم، شاعر ناسیونالیست و اسلام گرای مصری پرداخته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که اشعار سیاسی محرم متکی بر ایدئولوژی اسلامی در سه محور اسلام گرایی، ملی گرایی و گرایش های قومی و عربی تبلور می یابد. گفتمان سلفی اصلاح گرا در شعر احمد محرم متأثر از گرایش سلفی سیدجمال الدین اسدآبادی و محمد عبده به موضوعاتی مانند تشکیل جامعه اسلامی، بازگشت به اسلام اصیل و قرآن، حاکمان نالایق، جهل، غفلت و ضعف اراده در مردم و مبارزه با استعمار می پردازد. اشعار سیاسی محرم بیانگر یک هویت تکواریه است که از نگرش اسلامی وی نشأت گرفته است. از سوی دیگر، تقابل با گفتمان عرفی و سکولار در جامعه مصر، رجوع به گذشته و جامعه آرمانی، مفاهیمی هستند که هویت مقاومت را در سلفی گری شاعر ایجاد و تقویت نموده اند.

کلمات کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، فرکلاف، سلفی گری، احمد محرم، شعر معاصر.

استناد: علی یاری، مریم؛ امین مقدسی، ابوالحسن (۱۴۰۲). تحلیل انتقادی گفتمان سلفی در شعر معاصر عرب با تکیه بر الگوی فرکلاف مطالعه موردی دیوان السیاسیات احمد محرم، سال پانزدهم، دوره جدید، شماره پنجاه و سوم، پاییز ۱۴۰۲: ۶۰-۳۹.

DOI: 10.30479/lm.2023.18422.3502



حقوق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

۱. مقدمه

تحلیل گفتمان انتقادی، یک رویکرد میان رشته‌ای و جامعه‌شناخته‌ترین نوع تحلیل گفتمان است که در نتیجه کاستی تحلیل گفتمان نقش‌گرا، از دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی، به رویکرد غالب تحلیل گفتمان تبدیل شد. این رویکرد از دو بعد نظری و روش‌شناسی قابل‌بررسی است؛ در بعد نظری، میشل فوکو مبتنی بر دیدگاه پسا ساختارگرایانه و پسا مدرنیستی به زبان، بسیار بدان پرداخته است و در بعد روش‌شناختی، نورمن فرکلاف در کتاب «تحلیل گفتمان انتقادی» آن را به‌عنوان یک روش کیفی در تحلیل متن معرفی می‌کند. تحلیل گفتمان انتقادی، با توسعه مفهوم گفتمان و با باور به اینکه تحلیل سنتی گفتمان در سطح توصیف متوقف شده، بافت‌های وسیع‌تر اجتماعی سیاسی، قدرت و ایدئولوژی را در تحلیل مورد استفاده قرار می‌دهد. در واقع تحلیل گفتمان انتقادی بر «چگونگی بازتولید قدرت اجتماعی و سیاسی به‌وسیله متن و گفتار تأکید می‌کند» (شرشار، ۲۰۰۶: ۲۳) «یکی از پیش‌فرض‌های تمایز گفتمان‌ها کشف رابطه قدرت، دانش و تشخیص پیامدهای آن در تولید ابژه‌های جدید است. ظهور قدرت، تولید دانش و ابژه‌سازی، همگی در درون گفتمان‌ها صورت می‌گیرد» (بهرامی‌کمیل، ۱۳۹۸: ۱۹۸).

تحلیل گفتمان انتقادی که به اعتقاد برخی نویسندگان بیشتر با آثار فرکلاف شناخته شده، می‌کوشد «با جستجو در اعماق متن، مطالبی را بیان کند که نویسنده آن را بیان نکرده و حتی به ذهنش هم خطور نکرده است؛ بلکه متن آن‌ها را بیان کرده است» (خالفی، ۲۰۱۱: ۲۷)؛ بنابراین هدف از تحلیل متون «کشف معانی پنهان و غیرعادی موجود در متن نیست؛ بلکه شفاف‌سازی آن دسته از فرآیندهای مربوط به تولید و درک است» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۳) که تحلیل‌گران را قادر به درک عملکرد قدرت و ایدئولوژی در زبان و معرفی آن به دیگران می‌سازد.

یکی از گفتمان‌های مهم و اثرگذار که در صد سال اخیر در عرصه سیاسی اجتماعی راه یافته، گفتمان سلفی است. این گفتمان که زیرمجموعه اندیشه بازگشت به اسلام اصیل یا بنیادگرایی اسلامی محسوب می‌شود، اولین بار توسط سیدجمال‌الدین اسدآبادی، طلایه‌دار اصلاحات در جامعه اسلامی مطرح گردید. بنیادگرایی اسلامی، وام‌گرفته از جریانی به نام بنیادگرایی (Fundamentalism) است که به معنای محور قرار دادن مفاهیم دینی یا ایدئولوژیک در تمام عرصه‌های زندگی و بازگشت به اصولی است که معرف یا بنیان یک ایدئولوژی است. البته سلفیه سیدجمال با سلفی‌گری امروز بسیار متفاوت است. این رویکرد که به اصلاح‌گرا معروف است» (فرمانیان، ۱۳۹۳: ۵۴) در پی آزادسازی اسلام از تقلید و جمود، احیای اخلاقی، فرهنگی و سیاسی بود. وی جامعه اسلامی را بیمار و نجات و رستگاری آن را در خود اسلام می‌دانست؛ لذا با هدف تشکیل جامعه اسلامی، اتحاد مسلمانان در برابر سلطه و استیلای اروپاییان و آمادگی برای ضروریات و مقتضیات عصر جدید» (ناس، ۱۳۵۴: ۵۳۲) مکتب سلفیه اعتدالی را پایه‌گذاری نمود. در این پژوهش، نگارندگان با هدف تحلیل انتقادی گفتمان سلفی به‌عنوان یک پدیده

رنالیستی، به بررسی این اندیشه در شعر احمد محرم پرداخته‌اند. سوالات اصلی این پژوهش عبارتند از: مبانی گفتمان سلفی در اشعار محرم بر اساس نظریه فرکلاف چیست؟ اندیشه سلفی در دیوان‌های سیاسی محرم بر مبنای نظریه فرکلاف چگونه قابل تحلیل است؟ مبانی گفتمان سلفی اعتدالی در اشعار سیاسی محرم، بازگشت به اسلام اصیل، اتحاد، تشکیل جامعه اسلامی، حکومت و خلافت و شورا است. اندیشه سلفی در دیوان‌های سیاسی محرم، در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین فرکلاف، در انتخاب واژگان، دستور زبان، بافت موقعیتی و بینامتنی و متناسب با نظریات جامعه‌شناختی بازنمایی شده است.

این پژوهش کیفی با روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، به مطالعه دیوان‌های سیاسی شاعر معاصر مصر، احمد محرم می‌پردازد که دارای گرایش سلفی است و تحت تأثیر آن، این اندیشه را در تولیدات ادبی خود بازنمایی نموده است. با توجه به اینکه سلفی‌گری یک جریان مهم در تاریخ تفکر بشری و تأثیرگذار در عرصه جهانی است و امروزه به یک گفتمان تبدیل شده است، بررسی مبانی فکری و فلسفه بازنمایی آن در ادبیات به‌طور عام و در شعر به‌طور خاص حائز اهمیت است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام شده در موضوع سلفی‌گری، بیشتر به مطالعه تاریخی، ریشه‌یابی، تحلیل و نقد اندیشه سلفی‌گری، ظهور و گسترش آن در کشورهای مختلف پرداخته است؛ اما در میان پژوهش‌های مرتبط با موضوع این پژوهش، مالک عبدی در مقاله «واکاوی مؤلفه‌های وحدت در شعر احمد محرم» (۱۳۹۷) با روش توصیفی تحلیلی، به تبیین نحوه نگرش شاعر به مقوله وحدت و بیان تکیه‌گاه‌های محوری اندیشه او در طرح این مضامین می‌پردازد. حامد صدقی در مقاله «الوطنية الصادقة في شعر أحمد محرم» (۲۰۰۹) مظاهر ملی‌گرایی از جمله عشق به مصر، استعمار، نکوهش حاکمان مستبد و برخی تصاویر بلاغی موجود در اشعار ملی‌گرایانه را در شعر شاعر مورد بررسی قرار می‌دهد. احمد امیدوار در مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی اشعار احلام نصر بر اساس نظریه لاکلا و موفه» (۱۴۰۰) به تحلیل انتقادی اشعار احلام نصر، شاعر داعش، می‌پردازد. لازم به ذکر است که رویکرد سلفی احلام نصر به‌عنوان شاعر داعش، با شاعر مورد پژوهش متفاوت است (امیدوار، ۱۴۰۰). محرم دارای رویکرد اعتدالی و متأثر از سیدجمال‌الدین اسدآبادی است و داعش پدیده‌ای نوظهور است. حجت‌ر سولی و حسینی در مقاله «واکاوی قصیده "علموها" سروده محمد مهدی جواهری» بر مبنای نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به بررسی این قصیده می‌پردازند (حسینی، ۱۳۹۹).

۲. بحث و بررسی

۲-۱. تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

گفتمان در نگاه فرکلاف، یکی از عناصر زندگی اجتماعی است که ضمن ارتباط با سایر عناصر آن، به منظر خاصی از کاربرد زبان اشاره دارد» (Fairclough, 2001:3). فرکلاف در کتاب *Critical discourse*

analysis تحلیل گفتمان انتقادی را یک روش کیفی در تحلیل متن معرفی می‌کند که ضمن توجه «به فرآیندهای ایدئولوژیک در گفتمان، رابطه زبان و قدرت، ایدئولوژی، سلطه و قدرت در گفتمان، عناصر زبانی و غیرزبانی را به همراه دانش زمینه‌ای کنش‌گران، مورد مطالعه قرار می‌دهد» (فرکلاف، ۱۳۸۷: ۱۲). در این رویکرد، زبان به منزله یک کنش اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که با کاربرد زبان متفاوت است؛ زیرا در این حالت «زبان با سایر کنش‌های اجتماعی پیوند خورده و نوعی جبر اجتماعی بر آن حاکم است» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۰) وی تحلیل متن را شامل دو بخش مکمل می‌داند: تحلیل زبان‌شناختی و تحلیل بینامتنی» (فرکلاف، ۱۳۸۷: ۱۱۷). تحلیل زبان‌شناختی، سطوح سنتی مانند واج‌شناسی، دستور زبان تا تحلیل جمله و واژگان و معناشناسی و تحلیل جمله در متن و انسجام میان جمله‌ای و جنبه‌های مختلف ساختار متون از جمله مشخصه‌های گفتگو را دربرمی‌گیرد؛ اما تحلیل بینامتنی، تفسیر ژانرها و اقسام گوناگون گفتمان را در بر می‌گیرد. فرکلاف متن را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی می‌کند تا «ایدئولوژی نهفته در لایه‌های زیرین متن را کشف و بررسی کند» (کاظمی، ۱۴۰۰: ۶۵)؛ زیرا زبان «محمل ایدئولوژی و متن، عرصه ظهور ایدئولوژی است» (Fairclough, 2001:48). در سطح توصیف واژگان، دستور زبان و ساخت‌های متنی، و در سطح تفسیر بافت موقعیتی و بینامتنی، و در سطح تبیین، گفتمان به‌عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی مرتبط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخ، قدرت و ایدئولوژی مورد بررسی قرار می‌گیرد. (فرکلاف، ۱۳۸۷: ۲۱۳-۲۲۳). در ادامه به بررسی اشعار سیاسی احمد محرم در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین می‌پردازیم.

۲-۲. تحلیل گفتمان انتقادی دیوان‌السیاسیات احمد محرم

دیوان‌السیاسیات، در بر دارنده اشعار سیاسی محرم است که در سال ۱۹۸۴ در دو جلد در کویت به چاپ رسید. حیات سیاسی احمد محرم در سال ۱۸۹۸ و با قصیده «شکوی الاحتلال بلسان الحال» آغاز می‌شود. این قصیده نگاه سیاستمداران مصری را از یک سو به ادبیات محرم و از سوی دیگر به رسالت ملی او جلب کرد و همگان جایگاه ادبی وی را شناختند» (محرم، ۱۹۸۴: ج ۱: ۱۳). اشعار سیاسی محرم، بازتابی از روحیه اسلام‌گرایی، عشق به وطن، التزام به مسائل امت عربی، دعوت به وحدت اسلامی، بیداری مصر و دیگر ملت‌هاست. گرایش اسلامی که اساس ایدئولوژی وی را تشکیل می‌دهد، برخاسته از یک عاطفه عمیق دینی است که توسط پدرش در نهاد او کاشته و پرورش داده شد. محرم رسالت خود را در درجه اول، اصلاح و تهذیب امت خود، سپس مردم دنیا می‌داند؛ لذا در دیوان‌السیاسیات، امت اسلامی را به اتحاد و تمسک به دین اسلام، ترک افکار غربی و مقاومت در برابر استعمار فرامی‌خواند.

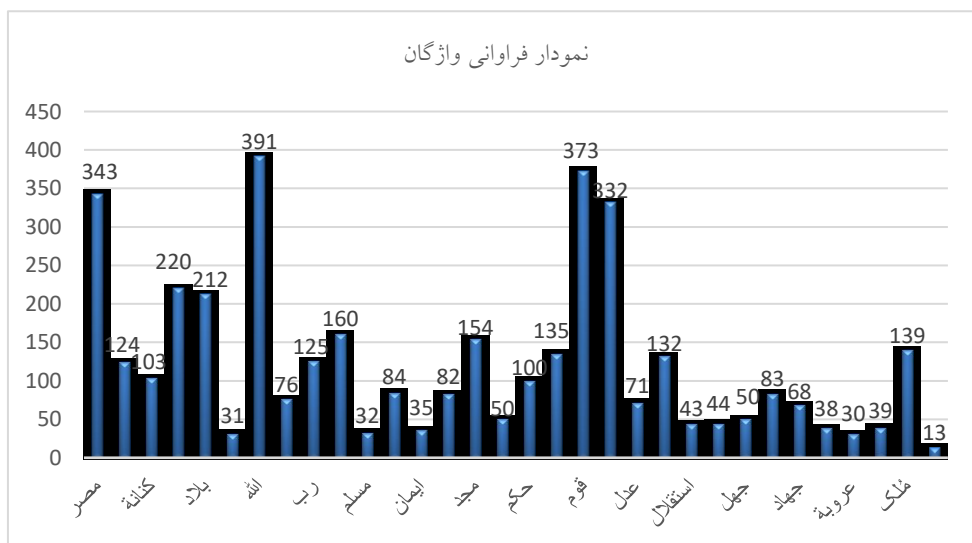
۲-۲-۱. توصیف

در نظریه فرکلاف، توصیف پیش‌نیاز تفسیر و تبیین متن محسوب می‌شود. در این سطح، «مشخصه‌های زبان‌شناختی متن از جمله واژگان، دستور زبان، معناشناسی، آواشناسی و واج‌شناسی مورد توصیف قرار می‌گیرد» (Fairclough, 2001: 97- 103).

۲-۲-۱-۱. واژگان: ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی

زبان ابزار ابداع و بیان تجربه درونی شاعر و در بر دارنده عناصر شعر از جمله تصویر، خیال، عاطفه و موسیقی است. شاعر متناسب با جهان‌بینی، محیط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه، واژگان خاصی را برمی‌گزیند که زبان شعری او را شکل می‌دهد. مجموعه این واژگان که معجم شعری نامیده می‌شود، در دو بعد کمی و کیفی قابل بررسی است؛ منظور از بعد کمی «تعداد واژگانی است که از طریق مطالعات، تجارب و فرهنگ شاعر در حافظه او شکل گرفته و در تولیدات ادبی وی نمود یافته است و بعد کیفی به کیفیت استفاده شاعر از این واژگان در متن می‌پردازد» (أحمد غنیم، ۲۰۱۲: ۶۹). این معجم، بیانگر ایدئولوژی مسلط بر اندیشه شاعر و تفاوت‌های متون از منظر ایدئولوژیک است؛ چه که این تفاوت‌ها «در بازنمایی‌های مختلفی که متن از جهان ارائه می‌دهند، در واژگان آن‌ها رمزگذاری می‌شوند» (فرکلاف، ۱۳۹۸: ۱۵۴). ایدئولوژی مسلط بر اندیشه محرم در اشعار سیاسی، تشکیل جامعه اسلامی است؛ این ایدئولوژی در سه موضوع ملی‌گرایی، قومی و اسلام‌گرایی تبلور یافته است. در دیوان سیاسیات واژگان آگاهانه و متناسب با این ایدئولوژی انتخاب شده‌اند. نمودار فراوانی واژگان در دیوان سیاسیات محرم به شرح زیر است:

معجم شعری محرم را می‌توان در سه گروه طبقه‌بندی نمود: واژگان دال بر اسلام‌گرایی، ملی‌گرایی و گرایش‌های عربی؛ بسامد بالای کلمات «اللّه، رب، اسلام، هدایه، حق، امت، ناس، خلافة، دین، عدل، کتاب، ایمان، جهاد»، نشان از گرایش اسلامی محرم دارد. کلماتی مانند «مصر، نیل، کنانه، شرق، مُلک، شعب، وطن،



بلاد، بنی مصر، جهل، سیاست، استقلال» حاکی از روحیه قوی ملی گرایی در شاعر است و واژگان «مجد، قوم، العروبة، عزة، حرية» نیز متأثر از گرایش قومی از فراوانی برخوردارند.

در ارزش تجربی «تجربه تولیدکننده متن از جهان طبیعی یا اجتماعی بازنمایی می شود و با محتوا، دانش و باورها مرتبط است» (فرکلاف، ۱۳۹۸: ۱۵۳) و در بخش واژگان، به صورت هم معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی رمزگذاری می شوند. یکی از موضوعات مهمی که محرم بدان می پردازد، استعمار مصر است. او در قصیده «شکوی الاحتلال بلسان الحال»، تضاد و تقابل میان مصریان و استعمارگران را این گونه به تصویر می کشد:

وَأَكْرَامُهُمُ وَالْحُرُّ لِبَصْفِ يُكْرَمُ	أَتَوْا مِصْرَ صَافِنَا أَطْلَنَّا قِرَاهُمُو
وَهَلْ يَسْتَوِي الضَّنَانُ أَرَى وَعَلَقَمُ	بَدَلْنَا لَهُمُ أَرِيًا، وَجَاءُوا بَعْلَقَمِ
بِأَحْلَامِ عَادٍ يَلَأُونُ وَتُكْرِمُ	لِنَامُ لَقُوا مَنَا كَرَامًا نُكُوهُمُو

(محرم، ۱۹۸۴، ج: ۱، ۴۶).

محرم در این قصیده اشغال مصر توسط انگلیس و حوادث آن دوره را به تصویر می کشد. استعمارگر در هیئت مهمان و مصریان در هیئت میزبانانی تصویر می شوند که اکرام و اخلاق را در حق مهمان تمام می کنند؛ عبارات پذیرایی و اکرام، انسان آزاده، غسل، تکریم و احترام، بیانگر خوش بینی نابه جا و غفلت مصریان در برابر استعمارگر است. در مقابل، عبارات علم، پست فطرت، آزار و اذیت، دال بر ماهیت واقعی استعمار است. این تضاد، تصویری تلخ از غفلت و واکنش نابه جای مصریان در برابر اشغالگر است. مصر به جای مقاومت، پذیرای اشغال و استعمار شده است. در حقیقت، تضاد اصلی در واکنش مصریان نهفته است؛ تضاد میان واکنشی که باید در برابر اشغالگر صورت پذیرد و واکنشی که صورت پذیرفته است. محرم با این تصویر از عملکرد مصریان انتقاد می کند.

انسجام و پیوستگی یک متن محصول دستور، واژه و معناست (رسولی، ۱۳۹۹: ۱۱۱). یکی از موارد انسجام واژگانی، تکرار است که شامل «بازگویی کامل کلمه، ترادف معنایی، کلمات عام و شمول معنایی می گردد» (Halliday, 1976: 274-284) در اشعار سیاسی محرم کمتر قصیده ای را می توان یافت که در آن از مصر سخن نگفته باشد. مصر، دومین واژه پربسامد در اشعار سیاسی محرم است که در کنار واژه نیل و کنانه، ۵۷۰ بار در دیوان سیاسیات تکرار و نوعی شمول دلالی را ایجاد کرده است. علاوه بر این، واژگان بلاد و وطن نیز از فراوانی بالایی برخوردارند و در بسیاری از موارد دال بر مصر هستند:

وَهَبْتُ الصَّبِيَّ وَالشَّيْبَ وَالشُّوقَ وَالْهَوَى	لِمِصْرٍ، وَإِنْ لَمْ أَقْضِ حَقَّ الْهَوَى مِصْرَا
وَمَا حَادَتْ يَوْمًا وَإِنْ رَاعٍ وَقَعْتُه	بِمَا حِوَاهَا أَوْ يُطَاوِلَا-----هَا ذَكَرَا

(محرم، ۱۹۸۴، ج: ۱، ۱۳۸)

هم آیی، دیگر عنصر انسجام واژگانی در متن، حاصل هم نشینی عناصری در متن است که بدون برخوردار از مرجع یکسان، با هم رابطه معنایی دارند» (Halliday, 1987: 287). هم آیی واژگانی همچون

الشوق، الهوی، مصر، حببتی، حیاتی در کنار ترکیب‌های «بخشیدن جوانی و پیری و اشتیاق و عشق به مصر»، «حق عشق را در برابر مصر به جا نیاوردن»، «هیچ حادثه‌ای عشق او را از قلب من پاک نخواهد کرد» تعبیر جدیدی هستند که محرم برای بیان عشق خود به وطن ابداع کرده است. او نیل را نماد مصر، پادشاه و پدر مردم معرفی می‌کند. حضور کلماتی مانند نیل، عشق، زندگی، دوست وفادار و برادر، دال بر عشق ناب و ازلی شاعر به وطن است:

وَأنتِ الأُمیةُ-----رُ وَأنتِ الأُبُ	فیا نیلُ أنتِ الهیةُ-----وی والحبیبَةُ
بِمَاحِ هَواها أَوْ يُطاولُ-----ها ذَکرا	وِیا نِیلُ-- أنتِ الصَّـدِیقُ الوفیّ

(محرم، ۱۹۸۴، ج: ۱، ۱۳۸).

ارزش رابطه‌ای در میان واژگان، به روابط و مناسبات اجتماعی مربوط می‌شود و به بررسی نقش روابط اجتماعی میان مشارکت‌کنندگان در انتخاب کلمات متن می‌پردازد. محرم، مردم مصر را فرزندان مصر خطاب می‌کند. ترکیب «بنی مصر»، اسطوره «أب» را تداعی می‌کند. او می‌خواهد بگوید وطن مانند پدر است و فرزندان باید از او دفاع کنند و او را از چنگ استعمار نجات دهند:

أَنتُم مَدی الآمادِ عن مِصرَ نُوْمُ	بنی مِصرَ هُیوا قد تَطاولُ نُوْمُکُم
أَنتُم مَدی الآمادِ عن مِصرَ نُوْمُ	بنی مِصرَ هُیوا، قد تَمادى جُثُوْمُکُم
أَلا مُشْفِقُ یَحْنُو علیها وَیرحَمُ	بنی مِصرَ هذی مِصرَ رَبِّکی مُصابِها

(محرم، ۱۹۸۴، ج: ۱، ۴۶).

هم‌آیی واژگان «هبوا، نوم، نؤم، تطاول، تمادی، جثوم، جثم، مدی الآماد» تصویرگر غفلت طولانی مدت مصریان از وضعیت مصر است. مصریان در خواب غفلت فرورفته و مصر در قامت پدر به آنان نهیب می‌زند.

اما ارزش بیانی، ارزیابی تولیدکننده از واقعیت را بیان می‌کند. محرم، وضعیت کنونی شرق و به‌ویژه مصر را ناشی از ضعف اراده‌ها، تسلیم شدن در برابر رؤیاهای دروغین، غفلت و جهلی قلمداد می‌کند که گریبان‌گیر مصر و کشورهای شرقی شده است:

و بهـذا کان مـوتُ الأُم	داءُ أهْلِ الشَّرِقِ ضَعْفُ-الهَمَمِ
بسوی الجِدِّ وَرَعی الدَّمِ	یا بنی الشَّرِقِ ولا شَرِقَ لَکُم
خَدَعْتُکُم کاذِباتُ الحُلُمِ	یا بنی الشَّرِقِ أفیقُوا إنما
عن عَدُوِّ سَـاهِرٍ لِم یَنَمِ	إنَّ مِنْ شَرِّ البَلاِیا نُوْمُکُم
لیس فینا غَیْرُ نِکسٍ مُحجمِ	هَکذا نَحْنُ وَهـذی حَـالُنا

(همان، ۷۵).

هم‌آیی عبارات «ضعف‌الهمم، موت‌الأمم، خدعتکم، کاذبات‌الحلم، شر‌البلايا، نومکم، نکس، محجم، واهن‌العزم، ضعيف‌قلبه، ثبت‌الجأش» با «أهل‌الشرق، بنی‌الشرق» دارای بار معنایی منفی و تصویرگر وضعیت کنونی شرق است. محرم مشکلات شرق را ناشی از ضعف اراده‌ها و غفلت و راه حل آن را بیداری و

تلاش می‌داند. وی رسالت خود را محدود به مصر نمی‌داند؛ لذا با بهره‌گیری از ترکیب «أهل الشرق» و «بني الشرق» از مرزهای مصر فراتر می‌رود و به‌طور کلی شرق را می‌بیند که این رویکرد بیانگر رسالت انسانی و فراملی شاعر در اصلاح و بیداری ملت‌های شرقی است.

یکی از مباحث مهم در ارزش بیانی واژگان از منظر فرکلاف، استعاره است؛ استعاره نوعی تکنیک برای «بازنمایی جنبه‌ای از تجربه بر حسب جنبه‌ای دیگر از آن است و به هیچ‌وجه منحصر به آن نوع گفتمان - شعر و گفتمان ادبی - نمی‌باشد که به‌صورت کلیشه‌ای مرتبط با آن تلقی شود» (فرکلاف، ۱۳۹۸: ۱۶۴). بازنمایی استعاری مسائل اجتماعی و سیاسی امری رایج و معمول است:

كَيْفَ الشَّفَاءِ لِمِصْرَ مِنْ أَدْوَانِهَا أَمْ كَيْفَ يُرْجَى عِزُّهَا وَيُؤْرَأُ؟
(محرّم، ۱۹۸۴، ج: ۱، ۷۷).

غفلت، جهل، تفرقه، حاکمان نالایق، انحراف از تعالیم اسلام و اشغال مصر مهم‌ترین مشکلات مصر هستند که در اشعار محرم، با واژه بیماری تصویر شده‌اند. استعاره بیماری در مسائل اجتماعی سیاسی و ایدئولوژیکی، بیانگر این است که این مشکلات و مسائل به کل جامعه تعلق دارند و سلامت جامعه را تهدید و تضعیف می‌کنند.

۲-۲-۱-۲. دستور زبان: وجوه جمله

از نظر دستوری، جمله دارای سه وجه اساسی، خبری، پرسشی دستوری و امری هستند. «مشخصه جملات خبری، وجود فاعل و به دنبال آن فعل است» (فرکلاف، ۱۳۹۸: ۱۷۳). البته ساختار جمله خبری در زبان عربی متفاوت است و جمله به دو صورت فعلیه و اسمیه تشکیل می‌شود. جمله فعلیه با فعل و فاعل و جمله اسمیه با مبتدا (اسم) آغاز می‌شود و پس از آن خبر در اشکال مفرد، جمله و شبه‌جمله ظاهر می‌شود. در جمله اسمیه، نقطه آغاز یا به عبارتی اساس ارتباط، موضوع جمله یا نهاد است. مفاهیمی که به‌عنوان نهاد در جمله مطرح می‌شوند، نشان می‌دهند که جمله بر چه موضوعی متمرکز و تأکید دارد؛ اما کانون اطلاعاتی در جملات فعلیه، دورترین سازه از فعل است؛ مانند جاء علیّ مسرورا. رقد علیّ فی المستشفی. أعطیت علیاً الکتاب. در این جملات تأکید جمله بر مسرورا، فی المستشفی و الکتاب است. آنچه در این سطح از تحلیل انتقادی مهم است این است که «چه کسی چه کاری را بر روی چه کسی یا چه چیزی انجام داده است؛ به عبارت دیگر تحلیل روابط عامل - پذیرا در گفتمان و اینکه در گفتمان چه کسی بیشترین قدرت را دارد» (پالتریج، ۱۳۹۵: ۳۵۵)، یکی از امکانات ایدئولوژیک گزینش میان انواع فرآیندها، «برجسته سازی یا زمینه سازی برای عاملیت است که می‌تواند هماهنگ، خودکار و مبتنی بر عقل سلیم و ایدئولوژیک باشد» (فرکلاف، ۱۳۹۸: ۱۶۹). محرم با استفاده از ساختار خبری و مبتدا قرار دادن «المصلحون»، نقش کنش‌گر یا عامل را برجسته نموده و نسبت به غفلت اصلاح‌گران اعتراض می‌کند. خبر در اینجا «نیام» است و کانون اطلاعاتی در مبتدا «المصلحون» متمرکز است و غفلت

مصلحان در بیداری مردم و هدایت جامعه به عنوان عامل گوناگونی قوانین و روی کار آمدن حاکمان نالایق برجسته شده است:

ما هَكَذَا الْأَحْكَامُ وَالْحُكَّامُ فِي كُلِّ يَوْمٍ شِرْعَةٌ وَنِظَامٌ
 عَنْهَا عَلَى زَجَرِ الْمَهِيْبِ نِيَامٌ وَالْمُصْلِحُونَ كَمَا عَلِمَتْ وَأَهْلُهَا
 (محرم، ۱۹۸۴، ج: ۱، ۷۷).

از سوی دیگر، واژه «المصلحون» بیانگر سبک خاص گفتمان محرم است؛ چرا که «انتخاب واژه‌های خاص بستگی به نوع گفتمان، تعلقات گروهی، مقام یا عقیده گوینده یا نویسنده دارد» (وندایک، ۱۳۸۷: ۳۳) و می‌توان افراد مشخص را با واژه‌های متفاوت مورد خطاب قرار داد. پیش‌فرض انتخاب «المصلحون» این است که مصر گرفتار مشکلات عدیده‌ای است و نیاز به اصلاح دارد. لازمه این پیش‌فرض، ایدئولوژی اصلاح است. شاعر جامعه را نیازمند اصلاح می‌داند؛ لذا به جای استفاده از واژه بدیل «القادة» از «المصلحون» بهره می‌گیرد و با برجسته‌سازی آن، ضمن تأکید بر اهمیت نقش مصلحان، از ایدئولوژی مسلط بر اندیشه خود پرده برمی‌دارد.

در ساختار امری، جمله با مفعول و فعل آغاز می‌شود و مخاطب کنش‌گر جمله است که نویسنده از او چیزی را طلب می‌کند. محرم در اشعار سیاسی خود، ضمن آسیب‌شناسی و اعتراض، راه‌حل ارائه می‌دهد و با بهره‌گیری از ساختار امری، مردم را به قیام و احیای مصر دعوت می‌کند:

يَا بَنِي الشَّرْقِ لِمَجْدِ ضَائِعٍ مَنْ بَكَى ضَمِيئَةً لَمْ يُلْمِمْ
 جَدُّوهُ وَمَنْعُ حَوْزَتِهِ وَادْفَعُوا عَنْهُ يَدَ الْمُهْتَمِمْ
 أَصْبَحَ الشَّرْقُ كَبِيرًا هَرَمًا لَهْفَ نَفْسِي لِلْكَبِيرِ الْهَرَمِ
 أَكْرَمُوهُ يَا بَنِيهِ إِيَّاهُ لَيْسَ يَرْضَى الشَّيْخُ إِنْ لَمْ يُكْرَمْ
 (محرم، ۱۹۸۴، ج: ۱، ۷۶).

اما جملات پرسشی دستوری، از آنجا که «دارای انواع متفاوتی هستند، نسبت به دو وجه دیگر، پیچیده‌تر هستند؛ نوع اول سوالاتی که با چه کسی؟ و چه چیزی؟ آغاز می‌شوند و نوع دوم با یک فعل یا ادات پرسشی آیا شروع می‌شوند.» (فرکلاف، ۱۳۹۸: ۱۷۳). آنچه در جملات پرسشی دستوری، اهداف ایدئولوژیک را تبیین می‌کند، جایگاه و انگیزه پرسش‌گر است؛ محرم با بهره‌گیری از جایگاه خود که نسبت به مردم در موضع قدرت قرار دارد، با کلمه پرسشی «هل» می‌کوشد به‌طور ضمنی مردم را به سوی اتحاد سوق دهد:

يَا قَوْمِ هَلْ أَحْيَا الشُّعُوبَ تَعَلَّلْ وَحَمِي الْبِلَادَ تَفَرَّقْ وَخِصَامْ؟
 يَا قَوْمِ هَلْ تَشَأَى السَّوَابِقَ ظَلَعْ وَيُقُوْتُ شَأُو الْمُدَلْجِينَ نِيَامْ؟
 إِيه بَنِي مِصْرَ أَمَا وَعِظْتَكُمْ مَا تَصْنَعُ الْأَحْسَدَاتُ وَالْأَيَامْ؟
 (محرم، ۱۹۸۴، ج: ۱، ۱۶۶).

در این مقطع، استفهام از معنای اصلی خود که طلب آگاهی از مجهول است، خارج شده و شاعر به دنبال معانی ثانویه استفهام است؛ لذا آن را در اسلوب انکاری به کار می‌برد تا علاوه بر تکذیب سوال، به

مردم هشدار دهد که هیچ‌گاه تفرقه و تعلق باعث پیشرفت ملت‌ها نشده است. عبارت «یاقوم» و «بنی‌مصر»، آگاهانه و ایدئولوژیک در کنار هم قرار گرفته‌اند تا روح عربی و ملی‌گرایی در مصریان را بیدار کنند. تصویر عدم پیشی‌گرفتن شتر پیر بر شترانی که از او جلوترند، از تفکر انتقادی محرم در آسیب‌شناسی مردم شرق، به‌ویژه مصر پرده برمی‌دارد.

نوع دیگر استفهام در اشعار محرم، استفاده از کلمات پرسشی متی، کیف و... است. او در اسلوب استفهام، مردم را از تفرقه بر حذر می‌دارد و آنان را به وحدت و ایستادگی در برابر دشمنی فرامی‌خواند که نه تنها در پی سرنگونی خلافت، بلکه نابودی دین اسلام است و ضمن نکوهش غفلت شرق، آن‌ها را به بیداری و حرکت دعوت می‌کند:

وحتی متی هُو فی عَفْوِیهِ؟	مَتی یَنْهَضُ الشَّرْقُ مِنْ کَبْوَتِهِ؟
تَمَلَّکَهُ الِیَّاسُ فِی کُرْبَتِهِ	وَنَامَ کَمَا نَامَ ذُوکُورِیَّةِ

(محرم، ۱۹۸۴، ج ۱: ۶۳).

۲-۲-۲. تفسیر

تفسیر، حاصل محتویات متن و ذهنیت مفسر یا به عبارتی دانش زمینه‌ای مفسر در تحلیل متن است؛ زیرا مشخصه‌های صوری متن، عناصر دانش زمینه‌ای ذهن مفسر را فعال می‌کند. در این سطح، «بافت و موقعیت، و راهبردهای بینامتنی، متناسب با آنچه در سطح اول مورد توصیف قرار گرفت، در تحلیل متن لحاظ می‌شود» (Fairclough, 2001: 97- 112) و «روابط موجود در بین فرآیندهایی که باعث تولید و درک گفتمان موردنظر می‌شود و تأثیر انتخاب‌هایی که در پیکره گفتمان از لحاظ واژگان، ساخت و... صورت می‌گیرد، مورد بررسی قرار می‌گیرند (آفاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۹).

۲-۲-۲-۱. بافت موقعیتی

میان متن و شرایط اجتماعی سیاسی ارتباط متقابل وجود دارد و متن، بازتابی از جامعه و قدرت حاکم بر آن است. آنچه در بخش تفسیر و بافت موقعیتی مهم است، چیستی ماجرا و افراد درگیر در آن است. دیوان سیاسیات محرم، در فاصله سال‌های ۱۸۹۲-۱۹۴۵ در مصر سروده شده است. در این دیوان، محرم با نگاهی انتقادی به آسیب‌شناسی مسائل روز مصر و کشورهای شرقی پرداخته و ضمن ریشه‌یابی مسائل و مشکلات، راه حل ارائه می‌دهد. در این دوره، مصر شاهد حوادث سیاسی، قومی و ملی عدیده‌ای بود که نقش غیرقابل‌انکاری در شخصیت و گرایش‌های ادبی شاعر داشت. از مهم‌ترین حوادث این دوره، می‌توان به ضعف و انحطاط دولت عثمانی، اوضاع نابسامان سیاسی اقتصادی، جهل، ظلم و شکست‌های پی‌درپی نظامی، اشغال مصر توسط انگلیس، جنبش اصلاح دینی و اجتماعی سیدجمال و محمد عبده، حادثه دانشوای، جنگ جهانی اول و دوم، انقلاب ۱۹۱۹ که در آن مصریان خواستار خروج انگلیس از

مصر شدند و مسئله فلسطین اشاره کرد. یکی از مهم ترین رویکردهای اندیشه سلفی اصلاحی که محرم در بسیاری از قصاید خود، به ویژه قصیده «۱۴ سبتمبر» بدان پرداخته، مبارزه با استعمار است:

وَأَنْتَ عَلَيَّ مَا أَنْتَ تَمْضِي وَتُقْبِلُ	نَلُومُكَ يَا يَوْمَ النُّحُوسِ وَنَعِذُ
وَتَحَسِبُ أَنَّ فِي الْمَقَالَةِ نَهْـُـزْلُ	وَنَحْسِبُ أَنَّ الْجَدَّ قَوْلٌ نُذْبِعُهُ
وَلَكِنْ شَعْبًا خَامِلًا يَتَعَبُ	لَعَمْرُكَ مَا أَسْلَفَتْ فِينَا جَرِيرَةٌ

(محرم، ۱۹۸۴، ج ۱: ۳۴).

چهاردهم سپتامبر ۱۸۸۲، انگلیس، قاهره را به اشغال خود درآورد؛ محرم، روزگار را در این سرنوشت دخیل دانسته و نکوهش می کند؛ اما می داند که در واقع، روزگار را در این مصیبت، گناهی نیست؛ بلکه اشغال مصر پیامد ضعف اراده مردم بود. با وجود این، شاعر قدرت حقیقی را از آن مردم می داند و آن ها را به اتحاد فرامی خواند:

وَالِي مَكَانِكَ فَاَنْهَضِي وَتَقْدَمِي	أَمَّ الْعُرُوبَةَ جَاءَ يَوْمِي، فَاعْلَمِي
يُنْفِي الْقَرَارَ عَنِ الشُّعُوبِ نُومٌ	لَكَ فِي فَمِ الْأَحْدَاثِ دَعْوَةٌ صَارِحٌ
عَرَبِيَّةٌ، تَحْمِي الْأَوَاءَ وَتَحْتَمِي	ضَمِّي الْقُوَى، وَتَجْمَعِي فِي وَحْدَةٍ

(محرم، ۱۹۸۴، ج ۲: ۹۱۸).

محرم با بهره گیری از عباراتی مانند أمم العروبة و وحدة عربية که دارای بار عرفی و ایدئولوژیکی هستند، مردم شرق را مورد خطاب قرار داده و به وحدت عربی فرامی خواند. در نگاه او مرزهای سیاسی چیزی جز خطوط ساختگی و نقشه شوم استعمار در پراکنده ساختن جهان اسلام نیست.

۲-۲-۲. بینامتنی

بینامتنیت (intertextuality) شکل تحول یافته متون گذشته یا معاصر و صورتی از متن است که با استفاده از متون دیگر معنا می شود. «هر متن بافت جدیدی از گفته ها و نوشته های پیشین است. رمزها، قواعد و الگوهای آهنگین، بخش هایی از زبان اجتماعی و غیره وارد متن می شوند و مجدداً در آن توزیع می گردند» (وبستر، ۱۳۸۲: ۱۶۲). تحلیل بینامتنی، نشانگر وابستگی متن به تاریخ و جامعه است، و این دو به عنوان منبع، «تحلیل بینامتنی را در نظم های گفتمان، از جمله ژانرهای ادبی، هنری، گفتمان ها و غیره امکان پذیر می سازند» (فرکلاف، ۱۳۹۸: ۱۰۸).

محرم از میراث غنی ادب عربی بسیار بهره برده است؛ وی می گوید: «از ادب جاهلی بسیار و از شعرای مخضرم به اندازه کفایت، تأثیر گرفتم؛ اما اشعار ابوتمام، بحتری، متنبی، شریف رضی و معری را بسیار مطالعه نمودم و تا آنجا که توانستم از آن ها بهره بردم. در میان شعرای معاصر نیز، تنها از بارودی، شوقی و صبری تأثیر گرفتم» (محرم، ۱۹۸۴، ج ۱: ۱۰؛ الفار، ۲۰۰۷: ۵۸). محرم در تولیدات ادبی خود، از ساختار شعر جاهلی و شاعرانی همچون دعبل خزاعی، ابوفراس حمدانی، فرزدق و کعب بن زهیر نیز بهره برده است؛ او عشق خود به مصر و تداوم مشکلات در آن را با بهره گیری از ساختار وقوف بر اطلال

و دمن شعر جاهلی و تناص از عبارت «أما للهوى نهي عليك ولا أمر» از قصیده معروف «عصي الدمع» أبو فراس حمدانی بیان می‌کند:

قِفُوا سَاعَةً إِنَّ الْمَحَبَّ لَهُ عَهْدٌ
أَمَّا لِلْهَوَى حَقٌّ وَلَا لِلْتَوَى حَدٌّ؟
وَلاتَعَبَلُوا بِالْبَيْنِ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ بُدٌّ
(محرم، ۱۹۸۴، ج: ۱، ۱۹۰).

علاوه بر این، اقتباس از آیات و مفاهیم قرآن در جای جای دیوان شاعر به وفور به چشم می‌خورد که حاکی از فرهنگ عمیق اسلامی در اوست. محرم با بهره‌گیری از تناص قرآنی، از سوره ابراهیم آیه ۴۷، حاکمان و صاحبان قدرت را بر گمان باطل تصویر می‌کند. آن‌ها مردم را زیر ستان خود می‌پندارند و غافل‌اند که خداوند همواره یاور مؤمنان است:

الْمُنْكَرِينَ عَلَى الْحُمَاةِ وَفَاءَهُمْ
وَزَعَمُوا الشُّعُوبَ لِكُلِّ ذِي جَبْرِيَّةٍ
وَعَظُمُوا فَظَنُوا اللَّهَ مُخَلَّفَ وَعَدِيهِ
وَأَثَرُهُمْ
وَأَسْرَابَ ضَالِّينَ أَوْ قَطِيعَ إِمَاءٍ
وَاللَّهُ فَوْقَ مَرَاغِمِ الْجِبْهَاتِ
(محرم، ۱۹۸۴، ج: ۲، ۶۷۲).

مردم در نگاه اربابان قدرت، چنان گوسفند یا برده هستند که تحت سلطه طبقه حاکم مدیریت می‌شوند. محرم با تناص از عبارت قرآنی «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»* در سوره توبه مردم را به قیام علیه استعمارگران فرامی‌خواند:

الْجِلَاءِ الْجِلَاءِ يَا أُمَّةَ السُّكُونِ
انْفِرُوا أَيُّهَا الْجِنُّ وَوَدُ خِفَافًا
أَتَى شَعْبٍ بِمِثْلِ مَا نَحْنُ فِيهِ
عَنْ مِصْرَ وَالزِّيَالِ الزِّيَالِ
تَعْصِفُ الرِّيحُ خَلْفَكُمْ أَوْ ثِقَالًا
نَالَ حُرِّيَّةً أَوْ اسْتِرْقَاقًا
(محرم، ۱۹۸۴، ج: ۲، ۵۴۹).

از منظر قرآن، مردم، خود سرنوشتشان را تعیین می‌کنند و خداوند سرنوشت هیچ قومی را دگرگون نکرده است؛ مگر اینکه خودشان را تغییر داده باشند؛ محرم شرایط کنونی مردم را برای به دست آوردن آزادی و استقلال مهیا نمی‌بیند؛ حلقه مفقوده، اراده مردم است که باید از درون آن‌ها به خروش آید؛ لذا شاعر با بهره‌گیری از استفهام انکاری، با هدف تحریک اراده مردم، آنان را به تغییر دعوت می‌کند. آیه ۱۱ سوره رعد «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» مؤید این مطلب است.

فرکلاف در بررسی روابط بینامتنی، گفتمان‌ها و متون از منظر تاریخی را نیز مؤثر می‌داند. در این دوره اندیشه جامعه اسلامی و گفتمان سلفی اصلاحی سیدجمال، در میان نویسندگان و متفکران رایج بود. سیدجمال اولین کسی بود که مردم مصر را به بازگشت به اسلام اصیل و پیروی از سلف صالح فراخواند. وی منشأ مشکلات مسلمانان را «بی‌سوادی و جهل، گرفتاری اخلاقی و فراموشی معنویات توسط مسلمانان، حکومت و حاکمان فاسد می‌دانست» (فرمانیان، ۱۳۹۵: ۱۰۷-۱۱۰). محرم، از حاکمان و عملکرد آن‌ها با «بیماری لاعلاج» تعبیر می‌کند که جامعه بدان دچار شده و رهایی از آن ممکن نیست.

او بر این باور است که حاکمان، با رواج جهل در میان مردم، به ناحق بر آنان حاکم شدند و دین را دچار انحراف کرده و به ورطه نابودی کشانند. او حاکمان کشورهای اسلامی را عامل اصلی و وضعیت کنونی مصر و شرق می‌داند. آن‌ها نه تنها استقلال کشور را از دست دادند، بلکه به دین مردم نیز آسیب زدند و آنان را دچار انحراف و گمراهی کردند:

أودی بَدینِ الحَقِّ دینُ غَوایةٍ	كانت ملوکُ الشَّرِقِ مِن اَصنامِه
الشَّرِقُ یَعْلَمُ اَنَّ مُعَضِّلَ دَانِه	مِن صُنْعِ سادَتِه و مِن حُکامِه
تَشْرُوا لواءَ الجَهْلِ بَینَ شُعوبِه	وَقَضُوا بِغَیْرِ الحَقِّ فی اَقوامِه

(محرم، ۱۹۸۴، ج ۲: ۴۹۲).

سیدجمال بر این باور بود که «مسلمانان باید در عمل از سلف پیروی کنند؛ زیرا سلف پرتلاش و جهادگر بودند و اگر این روحیه در مسلمانان امروز ایجاد شود، اسلام عظمت خویش را بازخواهد یافت» (فرمانیان، ۱۳۹۵: ۱۰۸) (محرم، سنت سلف را تمجید کرده و خود را میراث‌دار سلف صالح معرفی می‌کند:

سَجَّیْتُنَا و سُنَّةَ مَن وَّرَثَنَا	مِن السَّلَفِ المَقَدِّمِ فی السَّنَاءِ
اَنَّمْةٌ نَجِدُهُ وُدْعَاءُ حَقِّی	اَقَامُوا المَجْدَ ممتنعِ البِنَاءِ

(محرم، ۱۹۸۴، ج ۲: ۶۲۳).

شاعر تنها راه اصلاح جامعه اسلامی را بازگشت به کتاب خدا می‌داند؛ هرچند که اسلام به خاطر عملکرد حاکمان فاسد و دنیاطلبی مردم بیمار شده؛ اما درمان قطعی این بیماری در قرآن است:

لنا فی کتابِ اللّهِ مَجْدٌ مُؤْتَلٌ	و مُلْکٌ علی الحَدِثانِ والذَّهْرِ دائِمٌ
اَلَا اِنَّ بِالاسْلامِ داءً مُخامِرًا	فانْ کتابِ اللّهِ لِلدَّاءِ حاسِمٌ

(محرم، ۱۹۸۴، ج ۲: ۶۲).

۲-۲-۳. تبیین

فرکلاف در این سطح، با در نظر گرفتن گفتمان به عنوان یک کنش اجتماعی، «به توضیح چرایی تولید چنین متنی از میان امکانات مجاز موجود در آن زبان برای تولید متن در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی، گفتمان، ایدئولوژی، قدرت و دانش فرهنگی اجتماعی پرداخته» (Fairclough, 2001: 97- 117) و رابطه متقابل ساختارهای اجتماعی و گفتمان را نشان می‌دهد چه که ساختارهای اجتماعی و گفتمان از یک رابطه متقابل برخوردارند و متأثر از یکدیگر شکل می‌گیرند.

از منظر جامعه‌شناختی، یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری بنیادگرایی اسلامی، هویت است. صاحب‌نظران بسیاری شکل‌گیری بنیادگرایی اسلامی را «محصول بحران هویت و نوعی واکنش هویتی در برابر مدرنیته می‌دانند» (الاسید، بی تا: ۱۴۹ و کاستلز، ۱۳۸۴، ج ۲: ۲۲-۳۰). آمارتیا سن (Amartya Sen) استاد فلسفه دانشگاه هاروارد، معتقد است که افراد از عناصر هویت‌ساز متنوعی همچون جنسیت، دین، زبان، قومیت، طبقه اجتماعی و... برخوردارند. اگر یکی از این هویت‌ها برجسته شود، فرد صرفاً با

این هویت شناخته می‌شود؛ در این حالت است که تکوارگی در هویت رخ می‌دهد (سن، ۱۳۸۸: ۲۲-۲۵). در دیوان سیا سیات، شاهد نوعی هویت تکواره هستیم؛ هویتی که تنها منبع معنابخش آن اسلام است؛ چه که این دیوان حاصل نگرش شاعری اسلام‌گراست که از کودکی در محیطی اسلامی و تحت تأثیر تعلیمات مذهبی خانواده، هویت اسلامی در او برجسته شده است. در این راستا، امانوئل کاستلز (Manuel Castells) جامعه‌شناس اسپانیایی نیز هویت مشخصی برای هر کنش‌گر قائل نیست و هویت جمعی را منبع معنابخشی برای کنش‌گر می‌داند که در یک فرایند اجتماعی توسط خود فرد و تحت تأثیر نهادهای قدرت و ساختارهای اجتماعی شکل می‌گیرد (کاستلز، ۱۳۸۴، ج ۲: ۲۲). وی بر اساس روابط قدرت، سه نوع هویت را از هم متمایز می‌کند: هویت مشروعیت‌بخش، هویت مقاومت و هویت برنامه‌دار؛ «هویت مشروعیت‌بخش توسط نهادهای قدرت در جامعه برای گسترش سلطه بر کنش‌گران اجتماعی ایجاد می‌شود. هویت مقاومت توسط کنش‌گران اجتماعی و در شرایطی ایجاد می‌شود که از طرف منطق سلطه بی‌ارزش قلمداد شوند. در این وضعیت، کنش‌گران هویت خود را بر اساس مقاومت در مقابل اصول مورد حمایت نهادهای جامعه بنا می‌نهند. هویت برنامه‌دار هنگامی ایجاد می‌شود که کنش‌گران اجتماعی هویت جدیدی بر مبنای بازتعریف جدید موقعیت خویش از جامعه می‌سازند و در پی تغییر شکل کل ساخت اجتماعی هستند» (همان، ۲۲) یکی از ویژگی‌های مهم هویت مقاومت، بی‌ارزش قلمداد شدن توسط نهادهای حاکم است. در طول تاریخ، حکومت‌ها همواره با جریان سلفی به مقابله پرداخته‌اند. امروزه بسیاری از سلفی‌ها می‌کوشند خود را از برجسب بنیادگرایی و تروریست تبرئه کنند. گرایش سلفی سیدجمال نیز در اعتراض به بی‌کفایتی حکومت، سلطه استعمارگران و مقابله با جهل و بی‌سوادی مردم شکل گرفت و مفاهیمی مانند رجوع به گذشته و ایجاد جامعه آرمانی، آن‌ها را از هویت مقاومت برخوردار نمود. بازگشت به گذشته، در واقع نوعی اعتراض به وضعیت موجود بود و ناامیدی و سرخوردگی از زمان حال و نبود ایدئولوژی جایگزین مطمئن در جامعه آن روز، گذشته درخشان تمدن اسلامی را نسخه مناسبی برای ساختن جامعه آرمانی تداعی می‌نمود. افزون بر این، پس از انحلال امپراتوری عثمانی، «بحث‌های فراوانی درباره بدیل آن در کشورهای اسلامی در گرفت؛ عده‌ای همچون رشید رضا معتقد به حکومت اسلامی شدند و در مقابل، تجددخواهانی مانند علی عبدالرزاق، خواهان حکومت سکولار شدند (درویشی، ۱۴۰۰: ۲۰۱). تقابل دو گفتمان اسلام‌گرا و سکولار نیز هویت مقاومت در این جریان را تقویت نمود. از سوی دیگر، سلفی‌گری در همه اشکال خود، جریانی بود که در اعتراض به وضعیت موجود شکل گرفت و خواهان اصلاح امور مبتنی بر اسلام ناب سلف بود. بازگشت به سلف و ایجاد مدینه فاضله از ویژگی‌های این جنبش سلفی بود که نشان از اعتراض آن‌ها نسبت به وضعیت موجود داشت. الیویه روا، اسلام‌شناس فرانسوی، جنبش‌های اسلام‌گرا را به سه دسته تقسیم می‌کند: اسلام‌گرایی سیاسی، بنیادگرایی سنتی، نوبنیادگرایان؛ از دیدگاه او

«ا سلام‌گرایان سیاسی، گروهی هستند که خواستار اسلامی ساختن جامعه از طریق مبارزه سیاسی و انقلاب هستند؛ بدین معنا که تلاش می‌کنند از طریق یک جنبش اسلامی، حکومت و قدرت دولتی را به دست گرفته و سپس جامعه را اسلامی کنند. در مقابل، بنیادگرایان سنتی گروهی از اسلام‌گرایان هستند که تلاش می‌کنند جامعه را از طریق تطابق قانون اساسی با شریعت، اسلامی نمایند (روآ، ۱۳۷۸: ۳۳-۳۶).

بنیادگرایان که در کتاب اسلام جهانی شده آن را معرفی می‌کند، گروهی است که در نتیجه شکست اسلام‌گرایان سیاسی به وجود آمد (روآ، ۱۳۸۷: ۱۴۷). روآ بر این باور است که ظهور اسلام‌گرایان سیاسی پیامد اوضاع نابسامان جوامع اسلامی است. او این جوامع این دوره را جوامعی فقیر و محروم قلمداد می‌کند که ناامید از سایر ایدئولوژی‌های غیردینی، در پی اثبات هویت خود هستند و گروه‌های اسلام‌گرا را منبع مورد اعتمادی برای اثبات هویت خود یافته‌اند. جنبش سلفی سیدجمال را می‌توان در گروه اسلام‌گرایان سیاسی روآ قرار داد که در اعتراض به اوضاع نابسامان اقتصادی سیاسی، رواج جهل و خرافه در میان مردم، بی‌کفایتی حاکمان و سلطه استعمار شکل گرفت و می‌کوشید با احیای خلافت اسلامی مبتنی بر اسلام اصیل و صحیح سلف، مسلمانان را به اوج شکوفایی تمدن اسلامی بازگرداند. محرم اشعار سیاسی خود را در خدمت ایدئولوژی این جنبش قرار داد و با قلم خود به مبارزه با جهل و ضعف اراده در مردم، جهل حاکمان، مبارزه با استعمار، دعوت به تمسک به ارزش‌های اسلامی و تشکیل جامعه اسلامی پرداخت.

نتیجه

دیوان سیاسیات محرم، حاصل فرهنگ غنی اسلامی او در پیوند با شرایط سیاسی اجتماعی مصر است. بررسی اشعار سیاسی محرم، در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین و با تکیه بر تحلیل انتقادی فرکلاف نشان داد که ایدئولوژی اسلامی مرکز ثقل نگرش محرم را شکل داده و تولیدات ادبی او را جهت‌دهی نموده است و این اشعار بازتابی از حوادث سیاسی اجتماعی جامعه مصر در آن دوره است.

در سطح توصیف، با توجه به انتخاب واژگان، می‌توان اشعار سیاسی محرم را در سه موضوع اسلام‌گرایی، ملی‌گرایی و گرایش‌های قومی عربی طبقه‌بندی نمود. مبانی اندیشه سلفی در اشعار سیاسی محرم، شامل بازگشت به اسلام حقیقی و قرآن و سنت، مبارزه با استعمار و استقلال مصر، بیداری شرق، تمسک به اخلاق و ارزش‌های اسلامی، گسترش عدل، تشکیل جامعه اسلامی و خلافت است. در موضوع اسلام‌گرایی، محرم به مفاهیم و اعتقادات دینی می‌پردازد و راه‌هایی از مشکلات مصر را بازگشت به اسلام، قرآن و سنت معرفی می‌کند. در موضوع ملی‌گرایی، چنان یک انسان مصری تمام‌عیار ظاهر می‌شود. البته وطن برای او در مصر خلاصه نمی‌شود و مرزهای سیاسی را قبول ندارد؛ لذا مردم را به وحدت اسلامی فرا می‌خواند. هدف او تشکیل جامعه اسلامی است.

در سطح تفسیر، شاعر اشعار خود را با تاریخ، فرهنگ، سیاست و تعالیم دینی پیوند داده است. التزام به گفتمان سلفی اصلاح‌گرای سیدجمال که گفتمان مسلط مصر در آن دوره بود، در اشعار سیاسی محرم برجسته است. اشاره‌ها و اقتباس‌های متعدد محرم از مفاهیم و عبارات قرآنی، نشان از تسلط او بر قرآن و گرایش راسخ اسلامی وی دارد. او دین و تعالیم اسلامی را برای همه جوانب زندگی کافی و پاسخگوی همه نیازهای بشر می‌داند.

در سطح تبیین، اشعار سیاسی احمد محرم نشان می‌دهند که ادبیات و جامعه، پیوندی ناگسستنی دارند. اشعار سیاسی محرم، در بر دارنده نوعی هویت تکواریه است که تنها منبع معنابخش آن اسلام است. از نگاه آمارتیا سن تکواریه هویت، زمانی روی می‌دهد که یکی از منابع هویتی در کنش‌گر برجسته و تقویت گردد. اشعار سیاسی محرم، تراوشات روح متعهد شاعری اسلام‌گرا در عصری مملو از حوادث و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که بیش از نیم قرن در جهان اسلام و جهان عرب به طول انجامید. افزون بر این، از میان هویت‌های سه‌گانه کاستلز، سلفی‌گری محرم از هویت مقاومت برخوردار است؛ این هویت در نتیجه طرد و بی‌ارزش قلمداد شدن از سوی نهاد حاکم بر جامعه در کنش‌گر ایجاد می‌شود. جنبش‌های سلفی همواره با برخورد قهری حکومت‌ها روبه‌رو بوده و البته نسبت به شیوه حکومت و حاکمان نالایق اعتراض داشته‌اند. سلفیه، به‌طور کلی در تمام اشکال، جریانی اعتراضی نسبت به وضعیت موجود است. مفاهیم بازگشت به سلف و ایجاد جامعه آرمانی، نشان از رویکرد اعتراضی آنان دارد. محرم، با قاطعیت و صراحتی بی‌نظیر، به انتقاد از حکومت و مردم می‌پردازد؛ ضمن اینکه برای رهایی از وضعیت نابسامان آن روز، مردم را به بازگشت به سلف و احیای اسلام اصیل فرامی‌خواند. این رویکرد اعتراضی، آنان را در زمره اسلام‌گرایان سیاسی الیویه روآ قرار می‌دهد.

منابع

الف) منابع عربی

- القرآن‌الکریم.
- أبوزهره، محمد. (د. ت)، *تاریخ المذاهب الإسلامية في السياسة العقائد و تاریخ المذاهب الفقهية*، قاهره: دارالفکر العربی.
- أحمد غنیم، کمال. (۲۰۱۲)، «*جمالیات الشعر الفلسطيني*»، *مجلة الجامعة الإسلامية للبحوث اللسانية*، المجلد العشرون، العدد الثاني.
- التهانوي، محمدعلي. (۱۹۹۶)، *کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم*، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- خالقی، حسین. (۲۰۱۱)، *تحلیل الخطاب*، بیروت: دارالفارابی.

- الزركلي، خيرالدين. (۲۰۰۲). الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستغربين والمستشرقين، المجلد الأول، بيروت: دارالعلم للملایین.

- شوقی ضیف. (۱۹۷۵)، الأدب العربي المعاصر في مصر، القاهرة: دارالمعارف.

- شرشار، عبدالقادر. (۲۰۰۶)، تحلیل الخطاب الأدبي وقضايا النص؛ وهران: دار الأدیب.

- صدقی، حامد. (۲۰۰۹)، «الوطنية الصادقة في شعر أحمد محرم»، اللغة العربية وآدابها، السنة الخامسة، العدد التاسع، خريف وشتاء، الصفحات ۵۷-۷۲.

- عبید، أحمد. (۱۹۲۲)، مشاهیر شعراء العصر في الأقطار العربية الثلاثة مصر؛ سورية، عراق، القسم الأول. دمشق: مكتبة الترقی.

- الفار، مصطفى محمد. (۲۰۰۷)، أحمد محرم دراسة في حياته وشعره، عمان: مطبعة الروزنا.

- محرم، أحمد. (۱۹۸۴)، دیوان محرم (السیاسیات)؛ جمع و تحقیق محمود أحمد محرم. الجزء الأول، الكويت: مكتبة الفلاح.

- ----- (۱۹۸۴). دیوان محرم (السیاسیات)؛ جمع و تحقیق محمود أحمد محرم. الجزء الثاني، الكويت: مكتبة الفلاح.

ب) منابع فارسی

- آقاگل زاده، فردوس. (۱۳۸۵)، تحلیل گفتمان انتقادی؛ تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- ----- (۱۳۸۶)، «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات»؛ ادب پژوهی، شماره اول، صص ۱۷-۲۷.

- امیدوار، احمد. (۱۴۰۰)، «تحلیل گفتمان انتقادی اشعار أحلام نصر بر اساس نظریه لاكلا و موفه»، زبان و ادبیات عربی، دوره سیزدهم، شماره ۲، صص ۷۸-۱۰۳.

- بهرامی کمیل، نظام. (۱۳۹۸)، نظریه رسانه‌ها (جامعه‌شناسی ارتباطات)؛ چاپ سوم. تهران: کویر.

- پالتریج، برایان. (۱۳۹۵)، درآمدی بر تحلیل گفتمان؛ ترجمه طاهره همتی. تهران: نشر نویسه پارس.

- رسولی، حجت؛ حسینی، فیروزه. (۱۳۹۹)، «واکاوای قصیده "عَلْمُوها" سروده محمد مهدی جواهری بر مبنای نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلایف»؛ لسان مبین، سال دوازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز، صص ۱۰۳-۱۲۱.

- رواء، الیویه. (۱۳۷۸)، تجربه اسلام سیاسی؛ ترجمه محسن مدیر شانه‌چی و حسین مطیعی امین، تهران: الهدی.

- ----- (۱۳۸۷)، اسلام جهانی شده؛ ترجمه حسن فرشتیان، قم: بوستان کتاب.

- سن، آمارتیا. (۱۳۸۸)، هویت و خشونت؛ ترجمه فریدون مجلسی، تهران: آشتیان.

- السید، رضوان. «سلام‌گرایان و جهانی‌شدن؛ جهان در آینه هویت»؛ ترجمه محمد مهدی خلجی، فصلنامه نقد و نظر. صص ۱۴۲-۱۶۴.
- عبدی، مالک. (۱۳۹۷)، «واکاوی مؤلفه‌های وحدت در اشعار احمد محرم»؛ ادب عربی، سال دهم، شماره یک، صص ۲۰۵-۲۲۲.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۹۸)، تحلیل گفتمان انتقادی؛ ترجمه روح‌الله قاسمی. تهران: اندیشه احسان.
- ----- . (۱۳۸۷)، تحلیل گفتمان انتقادی؛ ترجمه گروه مترجمان، چاپ دوم، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- فرمانیان، مهدی. (۱۳۹۳)، تاریخ تفکر سلفی از آغاز تا عصر حاضر؛ قم: دارالاعلام لمدرسه أهل البيت (ع).
- ----- . (۱۳۹۵)، سلفیه از گذشته تا حال؛ قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- کاستلز، امانوئل. (۱۳۸۴)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ؛ ترجمه حسن چاوشیان، جلد دوم، تهران: طرح نو.
- کاظمی، پریسا. (۱۴۰۰)، «تحلیل انتقادی گفتمان مجموعه اشعار "الحبيب الافتراضی" غادة الاسمان بر اساس الگوی نورمن فرکلاف»؛ زبان و ادبیات عربی، شماره ۲۷، صص ۶۳-۸۳.
- ناس، جان. (۱۳۵۴)، تاریخ جامع ادیان؛ ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: پیروز.
- ویستر، راجر. (۱۳۸۲)، پیش‌درآمدی بر مطالعه نظریه ادبی؛ ترجمه الهه دهنوی، چاپ اول، تهران: روزنگار.
- ون‌دایک، تئون‌ای. (۱۳۸۷)، مطالعاتی در تحلیل گفتمان از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی؛ ترجمه گروه مترجمان، چاپ دوم، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

ج) منابع لاتین

- Fairclough, N. (2001). **Language and Power**; England: **longman**.
- Halliday, M. & R. Hassan, (1976). **Cohesion in English**; London: **Longman**.

References

- The Holy Qur'an.
- Abdi, Malik. (2017). "Analysis of the components of unity in Ahmad Muharram's poems". **Arabic literature**, 10th year, N 1, pp. 205- 222.
- Abu Zohra, Muhammad. The history of the Islamic schools of thought and the history of the schools of jurisprudence. Cairo: Dar al-Fikr al-Arabi.
- Ahmed Obaid. (1922). **The famous poets of the Al-Asr period in the three Arab countries of Egypt, Syria, Iraq**, the first part. Damascus: Al-Tarqi School.
- Ahmed Ghoneim, Kamal (2012). **Aesthetics of Palestinian poetry**. Journal of the Islamic University for Linguistic Research, V 20, N 2.

- Aqagolzadeh, Firdaus. (1385). **Critical discourse analysis**. Tehran: Scientific and Farhangi publishing company.
- ----- (1386). "Critical discourse Analysis and Literature". **Pejohi literature**, first note, pp 17- 27.
- Bahrami Komeil, Nizam. (2018). **Media theory (sociology of communication)**. Third edition. Tehran: Kavir.
- Castells, Emmanuel. (1384). **Information Age: Economy, Society and Culture**, second volume, translated by Hassan Chavoshian, Tehran: New Design.
- Al-Far, Mustafa Mohamed. (2007). **Ahmad Muharram, a study of his life and poetry**. Amman: Rozana Press.
- Fairclough, Norman. (2018). **Critical discourse analysis**; Translated by Ruhollah Ghasemi. Tehran: Andisheh Ehsan.
- Farmanian, Mahdi. (2014). **The history of Salafi thought from the beginning to the present day**. Qom: Dar al-Mahad for Madrasa Ahl al-Bayt (AS).
- ----- (2015). **Salafieh from past to present**. Qom: Publications of the University of Religions.
- Khalifi, Hussein. (2011). **Discourse analysis**. Beirut: Dar Al-Farabi.
- Kazemi, Parisa. (1400). "Critical analysis of the discourse of Ghada Al-Saman's collection of poems "Al-Habib al-Efterazi" based on Norman Fairclough's model". *Arabic language and literature*, N 27, pp. 63- 83.
- Muharram, Ahmed. (1984). **Diwan Muharram (Al-Siasiat)**, collected and edited by Mahmoud Ahmed Muharram. The first part, Kuwait: Al-Falah Library.
- ----- (1984). **Diwan Muharram (AlSiasiat)**, collected and edited by Mahmoud, Ahmed Muharram. The second part, Kuwait: Al-Falah Library.
- Nas, John. (1354). **Comprehensive History of Religions**, translated by Ali Asghar Hekmat. Tehran: Pirouz.
- Omidwar, Ahmad. (1400). "*Critical discourse Analysis of Ahlam Nasr's Poetry on the Basis of Lakla's and Moffa's Theory*". **Arabic visitors and literature**, V 13, N 2, p 78- 103.
- Paltridge, Brian. (2015). **An introduction to discourse analysis**, translated by Tahira Hemmati. Tehran: Parsi Script Publishing.
- Rasouli, Hojjat and Hosseini, Firuzeh. (2019). "*Analysis of the poem" teach her" written by Mohammad Mahdi Javaheri based on Norman Fairclough's critical discourse analysis theory*"; **Lasan Mobin**, Year 12, N 41, pp 103- 121.
- Roy, Olivier. (1378). **The experience of political Islam**, translated by Mohsen Madiri Shanahchi and Hossein Matiei Amin, Tehran: Al-Hadi
- ----- (1387). **Globalized Islam, translated by Hassan Fereshtian**, Qom: Bostan Kitab.
- Sen, Amartya. (1388). **Identity and violence**, translated by Fereydoun Majlesi, Tehran: Ashtian.
- Al-Thahanawi, Muhammad Ali. (1996). **An index of arts and sciences conventions**. Beirut, Lebanon: Library of Lebanon Publishers.
- Shawqi Dhaif. (1975). **Contemporary Arabic literature in Egypt**. Cairo: Dar Al-Maaref.
- Sharshar, Abd al-Qader. (2006). **Literary discourse analysis and text issues**. Oran: Dar Al-Adeeb.

- Sidqi, Hamed. (2009). **Sincere patriotism in the poetry of Ahmed Muharram**. Arabic Language and Literature, Year 5, N 9, pp. 57- 72.
- Van Dijke, Theon A. (2007). **Studies in discourse analysis from text order to critical discourse analysis**; Translation by the group of translators, second edition, Tehran: Office of Media Studies and Development.
- Webster, Roger. (1382). **An introduction to the study of literary theory**, translated by Elaheh Dehnavi, first edition. Tehran: Roznagar.
- Al-Zarkali, Kheir Al-Din. (2002). **Al-Alam is a dictionary of biographies of the most famous Arab, Western and Oriental men and women**. The first volume, Beirut: Dar Al-Ilm for millions.

التحليل النقدي للخطاب السلفي في الشعر العربي المعاصر بناءً على نظرية فركلاف

(ديوان السياسيات لأحمد محرم نموذجاً)

مريم علي ياري^١، أبوالحسن أمين مقدسي^٢

^١ طالبة دكتوراه في اللغة العربية وآدابها بجامعة طهران، طهران، إيران.

^٢ أستاذ في اللغة العربية وآدابها بجامعة طهران، طهران، إيران.

معلومات المقالة الملخص

نوع المادة:

مقالة محكمة

تاريخ الوصول:

١٤٠١/٠١/١٢

تاريخ القبول:

١٤٠١/٠٧/١٩

تعتبر الفكرة السلفية كظاهرة واقعية من أهم المواضيع التي دخلت الساحة السياسية والاجتماعية وطبعا في الساحة الأدبية في المائة عام الماضية وأصبحت خطابا. هذه الفكرة، بالمعنى الاصطلاحي اليوم، هي نتيجة تيار في تاريخ الإسلام، تعتبر نفسها تابعة للسلف الصالح في التمسك بالدين، وتتبع السلف، أي النبي صلى الله عليه وسلم، أصحابه والتابعين في أفعالهم ومعتقداتهم. طبعا ما نراه اليوم في الساحة السياسية والاجتماعية هو الحركات السلفية المنحرفة، ألا وهي نتاج سوء تفسير ابن تيمية لمفاهيم التوحيد والشرك والتقليد والبدعة. قام هذا البحث بتحليل الخطاب السلفي في قصائد أحمد محرم، الشاعر القومي والإسلامي المصري، بمنهج تحليل الخطاب النقدي لفركلاف. وتشير نتائج البحث إلى أن أشعار محرم السياسية تعتمد على الفكر الإسلامي في المحاور الثلاثة الإسلامية والقومية والتوجهات العرقية والعربية، كما أن الخطاب السلفي الإصلاحي في شعر أحمد محرم متأثر بالتيار السلفي الإصلاحي لسيد جمال ومحمد عبده فيتعامل مع قضايا مثل تكوين المجتمع الإسلامي، والعودة إلى الإسلام الصحيح والقرآن، والحكام غير الأكفاء، والجهل، والإهمال وضعف الإرادة لدى الناس، ومحاربة الاستعمار. تعبر قصائد محرم السياسية عن هوية ذات بعد واحد تتبع من موقفه الإسلامي. ومن ناحية أخرى، فإن المواجهة مع الخطاب العلماني في المجتمع المصري، والإشارة إلى الماضي والمجتمع المثالي هي مفاهيم خلقت وعززت هوية المقاومة في سلفية الشاعر.

الكلمات المفتاحية: تحليل الخطاب النقدي، فركلاف، السلفية، أحمد محرم، الشعر المعاصر.

الاقْتباس: علي ياري، مريم؛ أمين مقدسي، أبوالحسن (١٤٠٢). التحليل النقدي للخطاب السلفي في الشعر العربي المعاصر بناءً على نظرية فركلاف ديوان السياسيات لأحمد محرم، مقالة محكمة، السنة الخامسة عشرة، الدورة الجديدة، العدد الثالث والخمسون، خريف ١٤٠٢: ٣٩-٦٠.



المعرف الرقمي: 10.30479/lm.2023.18422.3502
حقوق التأليف والنشر © المؤلفون. الناشر: جامعة الإمام الخميني (ع) الدولية